

جواهری از سخنان سلف صالح

تهیه و گردآوری و ترجمه:

سایت نوار اسلام

(IslamTape.Com)

عنوان کتاب:	جواهری از سخنان سلف صالح
نویسنده:	سایت نوار اسلام
موضوع:	موعظ و حکمت‌ها
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری
منبع:	سایت نوار اسلام www.islamtape.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

فهرست مطالب

- مقدمه ۵
- جواهری از سخنان سلف صالح ۹
- علم و ثمره آن: ۹
- عمر بن خطاب رضی الله عنه و تشویق برای تحصیل علم و دانش: ۹
- و حال سخنانی از ابن مسعود رضی الله عنه: ۱۰
- نصیحتی زیبا از امام سفیان ثوری درباره آموختن علم و عمل به آن: ۱۱
- عابد جاهل: ۱۱
- علم و جهل و اقسام مردم: ۱۱
- آموختن علم شرعی و تأثیر آن بر متعلم: ۱۲
- عاقبت عدل و عاقبت ظلم: ۱۳
- معیار تنها کتاب خدا و سنت نبوی است: ۱۴
- امام شافعی و تشویق به عدم تعصب مذهبی: ۱۴
- ارزش حدیث صحیح و تأثیر مخرب حدیث ضعیف: ۱۶
- عدم افراط و تفریط در محبت صحابه و اهل بیت: ۱۶
- خصوصیات اهل سنت و جماعت: ۱۷
- حرام بودن همنشینی با اهل بدعت و فسق: ۱۸

- برائت ائمه‌ی اهل سنت از فرقه صوفیه: ۲۱
- نشانه صداقت در ولاء و براء (دوستی و دشمنی بخاطر خدا): ۲۱
- زیان شبهات: ۲۲
- دنباله روی مردم از حاکمان: ۲۲
- نقش علمای دین در هدایت یا گمراهی مردم: ۲۳
- چند نصیحت زیبا از عمر بن خطاب رضی الله عنه: ۲۴
- ادب سلف صالح نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله حتی بعد از وفاتش... ۲۵
- چند خصلتی که هر انسانی - چه مسلمان یا کافر - باید از آن برخوردار باشند: ۲۵
- گناهان و تاثیر آنها بر قلب: ۲۶
- سخنی زیبا از ابن مسعود رضی الله عنه درباره صداقت در حق جویی: ۲۶
- روش امر به معروف و نهی از منکر: ۲۷
- خداشناس واقعی، موحد است. ۲۸
- مجادله در امر دین موجب قساوت قلب است: ۲۹
- سوال کردن از چیزی که وجود خارجی ندارد، جدال با دین است: ۳۰
- چرا دعای ما اجابت نمی‌شود؟ ۳۱
- نصیحتی از عمر بن خطاب رضی الله عنه برای کاشتن بذر محبت در قلوب مردم: ۳۲
- تأثیر بدعت بر سنت: ۳۲
- شوخی با لفظ طلاق: ۳۲
- علامت انسان جاهل: ۳۳

- آداب ملاقات کردن سلف صالح: ۳۳
- فضیلت دعای استخاره و مشورت کردن: ۳۴
- حفظ اسرار: ۳۴
- کرامت انسان‌ها نزد خدا: ۳۴
- محبت خداوند در گرو اطاعت از او و پیامبرش است. ۳۵
- مخالفت با خداوند: ۳۶
- ارزش صدقه قبل از وفات: ۳۶
- فرصت کسب توشه تمام می‌شود: ۳۷
- زهد چیست و چگونه بدست می‌آید و زاهد کیست؟ ۳۷
- طاعت خدا با ترس و امید: ۳۸
- شروط پذیرش اعمال نزد خداوند: ۳۹
- جایگاه نیت در پذیرش اعمال: ۴۰
- شروط داخل شدن به بهشت: ۴۱
- مشغول ساختن زبان به استغفار: ۴۲
- نماز شب: ۴۳
- سکوت کردن و کم سخن گفتن از حکمت است: ۴۴
- یکی از نشانه‌های تشخیص منافق از مؤمن: ۴۶
- حفظ زبان: ۴۶
- علامت سعادت و علامت شقاوت: ۴۷
- زیاد خندیدن: ۴۷
- خصلت‌هایی که به سود انسان هستند، و خصلت‌هایی که به ضرر
وی‌اند ۴۷

- ۴۹ حیاء از ایمان است:
- بعضی از صفات سلف صالح برای کسانی که دوست دارند بر منهج آنها گام بردارند: ۵۰
- پر خوری و شکم چرانی: ۵۰
- پرهیز از مشتبهات از ورع است: ۵۱
- چگونگی مبارزه با دنیاخواهی و نفس سرکش و شیطان لعین: ... ۵۱
- عاقبت سستی در کسب فضایل: ۵۲
- از نشانه‌های رویگردانی الله تعالی از بنده‌اش: ۵۲
- تفاوت بین مؤمن متقی و انسان فاسق در گناه کردن! ۵۳
- قلبهایی که استحقاق آتش جهنم را دارند: ۵۳
- صبر بر عذاب جهنم ممکن نیست! ۵۳
- ذکر گوی واقعی: ۵۴
- عواقب انتشار زنا و ربا در یک جامعه: ۵۴
- چشم چرانی: ۵۵
- بخل: ۵۵
- نشانه انسان ریاکار: ۵۵
- سوگند به دروغ یا سوگند به غیر خدا؟! ۵۶
- شطرنج: ۵۷
- سخن چینی به قصد خیرخواهی! ۵۷
- شرکت در دزدی از طریق خرید اجناس دزدیده شده: ۵۷
- جریمه گناه در این دنیا: ۵۸
- عاقبت بخیری: ۵۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وأصحابه
إلى يوم الدين. واما بعد:

«تمدن انسانی با اکتشافات و اختراعات و نوآوری‌های خود هر روز نسبت
به گذشته در حال پیشرفت و ترقی است و غالباً آخر آن بهتر از اول آن است،
ولی این تعالی و برجستگی در دین و اعتقاد عکس آن است! یعنی در مورد
ادیان، نخستین پیروان هر دین از پیروان بعدی آن بهتر و پایبندتر هستند،
بعبارتی سلف (گذشتگان) آنان بهتر از خلف (آینده‌گان) آنها هستند، زیرا
تمدن - بر خلاف ادیان - در آغاز همانند کودکی چهار دست و پا به حرکت
می‌افتد و کم کم پا می‌گیرد، در حالی که ادیان به طور کامل و ایستاده به
دنیا می‌آیند. تمدن تراکم علم و معرفت بشر است که کم کم کامل می‌شود
اما دین وحی است از سوی خداوند و هدایتی است محکم و بی‌نقص»^۱.

۱- گوشه‌ای از سخنان دکتر صالح آل طالب در خطبه مسجدالحرام جمعه ۲۳ جمادی
الثانی ۱۴۳۲.

بر این اساس بهترین یهودیان واقعی همان یاران باوفای موسی عليه السلام هستند و بهترین مسیحیان، پیروان و یاران همراه عیسی عليه السلام یعنی حواریون او هستند، و بهترین مسلمانان؛ محمد بن عبدالله ص و صحابه ایشان هستند و سپس کسانی که به ترتیب پس از آنان بیایند، چنانکه پیامبر ص فرمودند: «خَيْرُ الْقُرُونِ الْقَرْنُ الَّذِي بُعِثْتُ فِيهِمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ». بخاری و مسلم. یعنی: «بهترین دوران، زمانی است که من در آن مبعوث شده ام سپس کسانی که به دنبال آنها می‌آیند و سپس کسانی هم که به دنبال آنها می‌آیند».

پس هر چه یک نسل یا یک قرن از مردمان بروند، به همراه آنان قسمتی از علم و فضیلت از میان امت خواهد رفت، لذا تفاوت میان نخستین پیروان هر دین با متأخران آن، مانند تفاوت میان آب زلالی است که از منبع اصلی سرچشمه می‌جوشد و همان آب بر اثر پیمودن مسافتی طولانی و آمیخته شدن با انواع خاک و خاشاک به دست متأخران می‌رسد. پس خوشا به حال آن کسانی که دین و اعتقاد خویش را از منبع اصلی سرچشمه جویا می‌شوند، و از اسلام آمیخته با بدعت و انحراف روی کج کرده و آنرا با صافی اعتقاد سلف صالح امت پالایش و تصفیه کرده و بعد می‌پذیرند.

بنابراین، یک مسلمان متعهد که نگران سلامت اعتقاد و فکر خویش است قطعاً در زندگی خود همواره دین و اعتقادش را از سلف صالح این امت اخذ می‌کند.

منهج سلف صالح همان اسلام نخستین است که پیامبر ص بصورت ناب و خالص به یارانش عرضه نمود و همان اسلامی است که ابوبکر و عمر و عثمان و علی آنرا شناختند، همان راه و روشی است که خالد و سعد برای آن جنگیدند و حمزه و مُصعب برای آن به شهادت رسیدند، همان جاده‌ای

است که ابن مسعود و ابن عباس آن را پیمودند، و آن راهی است که حسن بصری و نَحَعی و شَعَبی آن را ترسیم کردند. همان مسیری است که ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد طی کردند. راه بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی... آنان و بسیاری دیگر که همین راه را پیمودند که سیرت و زندگی نامه‌شان باقی است و جای پایشان مشخص و کتاب‌هایشان موجود. و این دوران طلایی، همان عصر سلف صالح امت از صحابه و تابعین و تابع تابعین است، پس بر ماست تا راه و روش سلف صالح خود را در پیش بگیریم و در دین و اعتقاد و کردار نیکو و اخلاق شایسته از آنان پیروی کنیم، چرا که تبعیت از سلف صالح، ما را از افتادن در بیراهه و خطر انحراف باز می‌دارد، آنچنان که شاعر می‌گوید:

فکل خیر فی اتباع سلف وکل شر فی ابتداع من خلف

یعنی: هرچه خیر و نیکی است در پیروی از پیشینیان و سلف صالح حاصل می‌شود و هرآنچه شر و بدی است بر اثر پیروی از نوآوری‌ها و بدعت‌هایی است که بعد از سلف ایجاد کرده‌اند.

پس هرگاه خواستی دوری یا نزدیکی پیروان یک آیین را به دین نابشان مورد سنجش قرار دهی، به دوری یا نزدیکی آنان از سلف و پیشینیان شان نظر بینداز که هر چه به آن‌ها نزدیک‌تر باشند هدایت یافته‌ترند و هر چه دورتر باشند به گمراهی نزدیک‌تر، اما اگر خلف یک امت سلف خود را نفرین کنند، دیگر خیری در آنان نیست..

ما در این کتابچه قصد نداریم تا اندکی آگاهی به علم خوانندگان گرامی بیافزاییم! بلکه هدف اینست تا با شناخت اقوال سلف صالح این امت، هرچه بیشتر بتوانیم راه و سیره آن بزرگواران را ادامه داده و آنرا الگو و سرمشق زندگی خود قرار دهیم، باشد که با شناخت صحیح منهج سلف صالح و

پیروی از مسیر آنان، هر نوع بدعت و نوآوری در دین را شناسایی کنیم و از آن برائت جوئیم.

از آنجائیکه سخنان خدا و رسولش ﷺ بیشتر در میان مردم منتشر شده است، لذا سعی ما در این کتابچه بر این است که در ارتباط با موضوعات مختلف هر بار یک یا چند سخن زیبا و حکمت آمیز را از صحابه و تابعین و تابع آنها نقل کنیم، باشد که راهنمای ما مسلمانان جهت خشنودی خدای متعال باشد.

خداوندا حق را همانگونه که هست و باطل را همانگونه که هست به ما نشان ده و توفیق پیروی از حق و دوری از باطل را به ما عطا فرما..

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین

سایت نوار اسلام

(IslamTape.Com)

جمعه ۷ محرم ۱۴۳۳هـ ق

جواهری از سخنان سلف صالح

علم و ثمره آن:

یکی از اسباب هدایت، علم است. بنابراین هرآنکس علم بیشتری نسبت به دینش داشته باشد به هدایت نیز نزدیکتر است و احتمال اغوای او توسط شیاطین جن و انس کاهش می‌یابد، از اینرو کسب علوم شرعی راه خوبی برای حفظ ایمان است.

قال الإمام ابن القيم رحمته: «كل ما كان في القرآن من مدح للعبد فهو من ثمرة العلم، وكل ما كان فيه من ذم للعبد فهو من ثمرة الجهل»^۱.

امام ابن قیم رحمته فرمودند: «هر جا در قرآن از عبدی مدح و تمجید شده است بخاطر ثمره علم (او) بوده است، و هر جایی که در قرآن بنده ای مورد ذم و سرزنش قرار گرفته به دلیل ثمره جهل (او) بوده است».

عمر بن خطاب رضی الله عنه و تشویق برای تحصیل علم و دانش:

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمودند: «هیچ گاه انسانی دانشمند نمی‌شود مگر آنکه به بالاتر از خود حسد نورزد، و به پایین‌تر از خود در علم بسنده نکند، و در مقابل علم خود از کسی مزدی دریافت نکند»^۱.

و قال: «تَفَقَّهُوا قَبْلَ أَنْ تَسُودُوا»^۲.

و فرمود: «علم را فرا گیرید قبل از این که سردار شوید».

یعنی قبل از این که به ریاست و مقامی برسید علم را فرا گیرید چرا که بعداً فرصت فرا گرفتن علم به دست نمی‌آید.

و قال عمر رضی الله عنه: «موت أَلْفَ عَابِدٍ أَهْوَنُ مِنْ مَوْتِ عَالِمٍ بَصِيرٍ بِحَلَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ»^۳.

و فرمود: «مرگ هزار عابد آسان‌تر از مرگ یک عالم آگاه به حرام و حلال خدا است».

و حال سخنانی از ابن مسعود رضی الله عنه:

قال عبد الله رضی الله عنه: «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِذَا عَلِمْتُمْ فَاعْمَلُوا».

و قال: «وَيْلٌ لِمَنْ لَا يَعْلَمُ، وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَعَلِمَهُ، وَوَيْلٌ لِمَنْ يَعْلَمُ، ثُمَّ لَا يَعْمَلُ»^۴.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه فرمود: «علم بیاموزید، و هرگاه آموختید پس به آن عمل کنید».

و فرمود: «وای بر کسی که نمی‌داند، و اگر خدا بخواهد وی را علم می‌دهد، و وای بر آنکس که علم دارد ولی به آن عمل نمی‌کند».

۱- «فرائد الکلام» (ص ۱۳۵).

۲- «فتح الباری» (۱/۱۹۹).

۳- «مفتاح دار السعادة» (۱/۱۲۱).

۴- «حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء» أبونعیم اصفهانی.

نصیحتی زیبا از امام سفیان ثوری درباره آموختن علم و عمل به آن:

المهدي أبا عبد الله يقول: سمعت سفیان الثوري يقول: «كان يقال أول العلم الصمت، والثاني الاستماع له وحفظه، والثالث العمل به، والرابع نشره وتعليمه»^۱.
 مهدي ابو عبدالله گفت: شنیدم سفیان ثوری می فرمود: «ابتدای علم سکوت است، و دوم شنیدن علم و حفظ آن است، و سوم عمل کردن به آن، و چهارم نشر و تعلیم آن است».

عابد جاهل:

یکی از اسباب هدایت و تداوم و بقا بر آن؛ داشتن علم شرعی است. کسی که به احکام شریعت علم داشته باشد و طریقه‌ی صحیح عبادات را بداند، عبادت او نیز به قبولی نزدیکتر خواهد شد و این علم برایش همانند چراغی خواهد بود که راه و مسیر او را برای عبادت صحیح پروردگار روشن می کند.
 کتب عمر بن عبد العزیز رحمته إلى أهل المدينة: «من تعبد بغير علم كان ما يفسد أكثر مما يصلح»^۲.

عمر بن عبدالعزیز رحمته برای اهل مدینه نوشت: «هرکس خدا را بدون علم عبادت کند، آنچه را که فاسد می کند بیشتر است از آنچه اصلاح می کند».

علم و جهل و اقسام مردم:

یروی عن الأحنف بن قیس أنه قال: «قال الخليل بن أحمد: الناس أربعة: رجل يدري ويدري أنه يدري، فذاك عالم فخذوا عنه، ورجل يدري وهو لا يدري أنه يدري، فذاك ناس فذكروه، ورجل لا يدري وهو يدري أنه لا يدري

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۲- «سنن الدارمی» (۱/۱۰۳).

فذاك طالب فعلموه، ورجل لا يدري ولا يدري أنه لا يدري فذاك أحمق
فارفضوه»^۱.

خلیل بن احمد رحمته فرمود: «مردم چهار دسته هستند: مردی که می‌داند و می‌داند که می‌داند؛ او عالم است پس از او بیاموزید، و مردی که می‌داند ولی نمی‌داند که می‌داند؛ او انسان غافلی است پس آگاهش کنید، و مردی که نمی‌داند و او می‌داند که نمی‌داند؛ او انسانی خواهان یادگیری است پس وی را بیاموزید، و مردی که نمی‌داند و نمی‌داند که نمی‌داند؛ او انسان احمقی است پس از وی دوری کنید».

آموختن علم شرعی و تأثیر آن بر متعلم:

قال الإمام الشافعي رحمته تعالى: «من تعلّم القرآن عظمت قيمته، ومن تعلّم الفقه نبل مقداره، ومن كتب الحديث قويت حجّته، ومن تعلّم الحساب جزل رأيه، ومن تعلّم اللّغة رقّ طبعه، ومن لم يصن نفسه، لم ينفعه علمه»^۲.

امام شافعی رحمته فرمودند: «هرکس قرآن بیاموزد ارزش و قدر وی بالا می‌رود، و هرکس فقه بیاموزد توانایش زیاد می‌گردد، و هرکس حدیث بنویسد (و حفظ کند) حجت و برهانش قوی می‌شود، و هرکس علم حساب فراگیرد رأی و نظرش محکم می‌شود، و هرکس ادبیات بیاموزد طبع و سرشت وی نرم و لطیف می‌شود، و هرکس نفس خود را محفوظ ندارد علمش سودی برایش ندارد».

۱- «أخبار الحمقى» (۳۶).

۲- «أدب الدنيا والدين للماوردي» (۲۸).

عاقبت عدل و عاقبت ظلم:

خداوند متعال عادل است و عدل را دوست می‌دارد و لذا ظلم را بر خود و بر بندگان حرام کرده، و فطرت انسان را بگونه ای آفریده که عدالت دوست و عدالت خواه باشد، از اینرو ظلم را مبعوض می‌دارند و ظالمین را دوست ندارند و از آنها احساس نفرت دارند. حاکمی که عادل باشد مردم نیز وی را دوست دارند و از او در برابر دشمنانش حمایت کرده و یاری می‌رسانند، اما اگر پایه‌های تخت و حکومتش را بر ظلم استوار کند؛ در حقیقت بذر کینه و نفرت را در قلوب مردمانش می‌کارد که بزودی ثمره خواهد داد. در بین مردم گُرد مثلی هست که مضمون آن به زبان فارسی چنین است: «هر چیزی از ناحیه نازک آن می‌شکند، اما ظلم از جائیکه ضخیم تر است می‌شکند»، منظور آنست که هراندازه ظلم بیشتر باشد کمتر دوام می‌یابد و ظالم هر قدر ظالم تر باشد سریعتر نیز از بین خواهد رفت. سنت الهی نیز بر همین بوده که دیر یا زود بساط ظالمین را برمی‌چیند و آنرا مایه‌ی عبرت انسان‌ها می‌کند اگر پند گیرنده ای باشد!

قال ابن تیمیة رحمته، تعالی: «إِنَّ النَّاسَ لَم يَتَنَازَعُوا فِي أَنَّ عَاقِبَةَ الظُّلْمِ وَخِيْمَةٌ، وَعَاقِبَةُ الْعَدْلِ كَرِيْمَةٌ، وَلِهَذَا يَرُوى: اللهُ يَنْصُرُ الدَّوْلَةَ الْعَادِلَةَ، وَإِنْ كَانَتْ كَافِرَةً، وَلَا يَنْصُرُ الدَّوْلَةَ الظَّالِمَةَ، وَلَوْ كَانَتْ مُؤْمِنَةً»^۱.

وقال رحمته تعالی: «يَقَالُ: الدُّنْيَا تَدُومُ مَعَ الْعَدْلِ وَالْكَفْرِ، وَلَا تَدُومُ مَعَ الظُّلْمِ وَالْإِسْلَامِ»^۲.

امام ابن تیمیه رحمته فرمودند: «مردم اختلافی ندارند در اینکه عاقبت

۱- «مجموع الفتاوی؛ الحسبة» (۱۶، ۱۷۰).

۲- «مجموع الفتاوی؛ الحسبة» (۱۴۷).

ظلم ناگوار است و عاقبت عدل شرافت و بزرگی است، و برای همین نقل می‌شود: خداوند حکومت عادل را یاری می‌دهد هرچند که کافر باشد، و حکومت ظالم را یاری نمی‌دهد هرچند که مومن باشد». و فرمودند: «گفته می‌شود: امور دنیا با عدل و کفر دوام می‌یابد، اما با ظلم و اسلام تدوام نمی‌یابد».

معیار تنها کتاب خدا و سنت نبوی است:

اهل سنت بر خلاف اهل بدعت تعصب خاصی نسبت به اشخاص برجسته دینی ندارد، چرا که الگو و اسوه‌ی ما تنها محمد مصطفی ﷺ است؛ هرگاه ابوبکر یا عمر یا عثمان یا علی ﷺ بر اساس قرآن و سنت نبوی حکم کردند، آنرا می‌پذیریم، در غیر اینصورت - ضمن احترام - نخواهیم پذیرفت، و باور داریم که اگر حکمی را به اشتباه صادر کنند تنها از روی اجتهاد بوده و آنها را معذور می‌دانیم.

عن ابن عباس رضی الله عنه، قال: «قال لي معاوية رضی الله عنه: أنت على ملة علي؟ قلت: ولا على ملة عثمان، أنا على ملة رسول الله ﷺ»^۱.

عبدالله بن عباس رضی الله عنه فرمود: «معاویه رضی الله عنه به من گفت: آیا تو بر راه و روش علی هستی؟ گفتم: خیر، من نه بر راه علی هستم و نه بر راه و سنت عثمان، بلکه من بر راه و سنت رسول خدا ﷺ هستم».

امام شافعی و تشویق به عدم تعصب مذهبی:

در زمان حیات رسول خدا ﷺ مردم تابع قرآن و سنت ایشان بودند، و بعدها در زمان خلفا و صحابه و حتی تابعین نیز همه تابع قرآن و سنت نبوی

۱- حلیة الأولیاء؛ أبی نعیم اصفهانی.

بودند و چیزی با عنوان مذهب فلانی و فلانی در میان مردم وجود نداشت، و اگر از کسی سؤال می‌شد: مذهب تو چیست؟ می‌گفت: من تابع کتاب و سنت هستم و بس.. و حتی خود ائمه اربعه نیز تابع کتاب و سنت بودند و مردم را از تقلید کردن نهی می‌کردند و حاضر نبودند که سخن آنها بر کتاب و سنت ترجیح داده شود، چرا که آن بزرگواران با وجود علم و مجتهد بودنشان، باز خود را معصوم نمی‌دانستند. پس برماست که ما نیز از روش سلف صالح پیروی کنیم و از مذهب خاصی تقلید نکنیم.

حرمله بن یحیی يقول: قال الشافعي: «كلما قلت: وكان عن النبي ﷺ خلاف قولي مما يصح، فحديث النبي ﷺ أولى ولا تقلدوني».

أبا الوليد بن أبي الجارود يقول: قال الشافعي: «إذا صح الحديث عن رسول الله ﷺ، فقلت قولاً فأنا راجع عن قولي وقائل بذلك».

الربيع ابن سليمان يقول: سمعت الشافعي يقول: «إذا صح الحديث عن رسول الله ﷺ فهو أولى أن يؤخذ به من غيره»^۱.

حرمله بن یحیی می‌گوید: شافعی فرمود: «هر بار که گفتم: حدیث صحیحی از پیامبر ﷺ خلاف قول من ثابت شده، پس حدیث پیامبر ﷺ اولی تر است و از من تقلید نکنید».

و ابو ولید بن ابی جارود می‌گوید: شافعی فرمود: «هرگاه حدیث صحیحی از رسول خدا ﷺ ثابت گشت و من (قبلاً) سخنی گفته باشم، پس از سخن خود باز می‌گردم و به حدیث عمل می‌کنم».

۱- منبع: «حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

و ربیع بن سلیمان می‌گوید: شنیدم که شافعی می‌فرمود: «هرگاه حدیث صحیحی از رسول خدا ﷺ ثابت گشت، پس آن حدیث اولی‌تر است از اینکه به قول و رای دیگری عمل شود».

ارزش حدیث صحیح و تأثیر مخرب حدیث ضعیف:

اهل سنت تابع قرآن و احادیثی از پیامبر ﷺ هستند که به درجه صحت رسیده باشند، و احادیث ضعیف و دروغین را در هیچ حالتی قبول ندارند، بر خلاف اهل بدعت که برای اثبات اعتقادات باطل خود معمولاً به احادیث ضعیف و دروغین استناد می‌کنند، زیرا راهی جز آن ندارند! اصولاً یکی از بلاهایی که به جان اهل بدعت افتاده همین روایات ضعیف و دروغین هستند و همین امر منجر شده که بنیاد اعتقاد آنها بر گمراهی و باطل استوار شود.

یحیی بن یمان، قال: سمعت سفیان الثوری، يقول: «الحدیث أكثر من الذهب والفضة وليس يدرك، وفتنة الحدیث أشد من فتنة الذهب والفضة»^۱.
 یحیی بن یمان گفت: شنیدم که سفیان ثوری می‌فرمود: «(ارزش) حدیث بیشتر از طلا و نقره است ولی محسوس نیست، و فتنه و بلای حدیث (دروغ) بیشتر از بلای طلا و نقره است».

عدم افراط و تفریط در محبت صحابه و اهل بیت:

اهل سنت و جماعت نه اهل افراط هستند و نه اهل تفریط؛ نه مانند روافض صحابه را دشنام و لعن می‌کنند و نه مانند نواصب اهل بیت را دشنام می‌دهند، بلکه هر دوی صحابه و اهل بیت را دوست می‌دارند و آنرا

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

نشانه‌ی اکمال ایمان می‌دانند، چرا که دوست داشتن هر مسلمانی واجب است. با این وجود در مورد هیچکدام از آنها غلو نمی‌کنند.

قال أيوب السخيتاني رحمته: «من أحب أبا بكر الصديق فقد أقام الدين، ومن أحب عمر فقد أوضح السبيل، ومن أحب عثمان فقد استنار بنور الدين، ومن أحب علي بن أبي طالب فقد استمسك بالعروة الوثقى، ومن قال الحسنی فی أصحاب محمد صلی الله علیه و آله فقد برئ من النفاق»^۱.

ایوب سختیانی رحمته فرمودند: «هرکس ابوبکر صدیق را دوست بدارد، براستی که دین را برپا داشته، و هرکس عمر را دوست بدارد، براستی که روشن ترین راه (را یافته است)، و هرکس عثمان را دوست بدارد، براستی که به نور دین منور گشته، و هرکس علی ابن ابیطالب را دوست بدارد، براستی که به دستاویزی محکم و استوار چنگ زده است، و هرکس در باره اصحاب محمد صلی الله علیه و آله نیکو بگوید و گمان نیک داشته باشد، براستی که از نفاق بری است».

خصوصیات اهل سنت و جماعت:

نزد بسیاری از مردم به کسی که شیعه نباشد می‌گویند: او سنی است، او جزو اهل سنت است! اما نزد علما به هرکسی اهل سنت و جماعت اطلاق نمی‌شود، حتی اگر شیعه نباشد! بلکه اهل سنت و جماعت گروهی از مسلمانان هستند که در فکر و اعتقاد و احکام و اخلاق تابع سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه‌ی او هستند، اما بسیاری از سنی‌ها هستند که متأسفانه از منهج صحیح نبوی فاصله گرفته‌اند؛ مانند صوفیه یا معتزله و یا اشاعره و ماتریدیه و غیره..

اهل سنت و جماعت خصوصیتی دارند که آنها را از دیگران متمایز می‌گردانند، که در زیر به بعضی از این خصوصیات اشاره شده است:

۱- روایت لالکائی در «شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة» (۱۳۱۶/۷).

قال سهل بن عبد الله التستري رحمه الله تعالى لرجل سأله متى يعلم الرجل أنه من أهل السنة والجماعة؟ فقال: «إذا عرف من نفسه عشر خصال: لا يترك الجماعة، ولا يسب أصحاب النبي ﷺ، ولا يخرج على هذه الأمة بالسيف، ولا يكذب بالقدر، ولا يشك في الإيمان، ولا يماري في الدين، ولا يترك الصلاة على من يموت من أهل القبلة بالذنب، ولا يترك المسح على الخفين، ولا يترك الجماعة (أو قال الجمعة) خلف كل وال جار أو عدل»^۱.

مردی از سهل بن عبدالله تستری پرسید که: یک شخص از کجا بفهمد که او جزو اهل سنت و جماعت است؟ سهل فرمود: «هرگاه ده خصلت و ویژگی در او یافت شود: جماعت را ترک نکند، اصحاب پیامبر ﷺ را دشنام ندهد، و بر علیه امت مسلمان شورش نکند، و قدر الهی را انکار نکند، و در ایمان شک نکند، و در دین مجادله نکند، و نماز جنازه را بر کسی از اهل قبله که مرتکب گناه کبیره شده ترک نکند، و مسح بر خفین را ترک نکند، و نماز جماعت یا جمعه را پشت سر حاکم عادل یا فاجر ترک نکند».

حرام بودن همنشینی با اهل بدعت و فسق:

خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۱۱۹ سوره توبه ما را سفارش می کند که با صادقین و درستکاران همراه شویم، چرا که او تعالی بیشتر از هرکسی مخلوق خود را می شناسد و می داند که همنشینی و رفاقت با دیگران بسیار بر اخلاق و اعتقاد آدمی تأثیر می گذارد. از اینرو خدا و رسولش ما را به رفاقت و همنشینی با صادقین امر کرده اند. همنشین شدن با افراد صالح و هدایت یافته بر هدایت ما تأثیر مفیدی خواهد گذاشت، و بالعکس؛ همنشینی

۱- «شرح أصول الاعتقاد» (۲/ ۱۸۳).

با اهل فسق و فجور و اهل بدعت و منحرف شده، تاثیر ناگواری بر اخلاق و افکارمان خواهد گذاشت.

سلف صالح ما بر این مسئله بسیار حساس بودند و سعی داشتند که از اهل فسق و بدعت دوری کنند، و بیشترین برائت را از آنها داشتند. شایسته است که ما نیز در برخورد با اهل بدعت و گمراهان همین برخورد را داشته باشیم تا دین و اخلاق خود را از آفت محفوظ کرده باشیم.

قال غالب القطان: رأيت مالك بن دينار في المنام، فكأنه قاعد في مسجده الذي كان يجلس فيه، عليه قبطيتان وهو يقول: بأصبعيه هكذا: «صنفان من الناس لا تجالسوهما فإن مجالستهما مفسدة لقلب كل مسلم: صاحب بدعة قد غلا فيها، وصاحب دنيا مترف فيها»^۱.

غالب قطان گفت: مالک بن دینار را در خواب دیدم که گویا در مسجد نشسته بود و می فرمود: «دو دسته از مردم هستند که هرگز با آنها منشین، زیرا همنشینی با آنها قلب هر مسلمانی را فاسد می کنند: کسی که اهل بدعت است و در آن غلو کرده، و دیگری کسی که اهل دنیا است و در آن خوش گذارن است».

کیست ظالم تر از اهل بدعت؟ براستی که اهل بدعت از اهل فسق و فجور و گناه بدتر و خطرناکترند.

سلام ابن ابی مطیع فقیه و دانشمند بصره می فرمود: «لأن ألقى الله بصحيفة الحجاج، أحبُّ إلي من أن ألقى الله بصحيفة عمرو بن عبید»^۲.

۱- «الحلیة الأولیاء» ابی نعیم اصفهانی.

۲- «سیر اعلام النبلاء» (۴۲۸/۷).

«اگر مرا با نامه‌ی عمل حجاج به نزد پروردگار ببرند، بیشتر دوست دارم تا اینکه با نامه‌ی اعمال عمرو بن عبید».

عمرو بن عبید مردی عابد و زاهد اما اهل بدعت بود و حجاج مردی فاجر و خونخوار و جنایتکار بود.

وقال الحسن رضی الله عنه: «لا تجالس صاحب بدعة فإنه يمرض قلبك»^۱.

امام حسن بصری رضی الله عنه فرمودند: «با انسان مبتدع و بدعت گزار منشین، چرا که او قلبت را بیمار می‌کند».

وقال يحيى بن أبي كثير: «إذا لقيت صاحب بدعة في طريق فخذ في طريق آخر»^۲.

یحیی بن ابی کثیر فرمود: «هرگاه در راهی انسان بدعت‌گزاری را ملاقات کردی تو از راه دیگری برو».

وقال ابن تميم: «هجران أهل البدع كافرهم وفاسقهم والمتظاهرين بالمعاصي، وترك السّلام عليهم فرض كفاية، ومكروه لسائر النّاس، ولا يسلم أحد على فاسق معلن، ولا مبتدع معلن داعية»^۳.

ابن تمیم رضی الله عنه فرمود: «ترک و دور شدن و سلام نکردن از اهل بدعت چه کافر یا فاسق یا کسانی که آشکارا گناه می‌کنند، فرض کفایی است و بر دیگر مردم مکروه است، و هیچکس نباید بر فرد فاسقی که فسقش را آشکار می‌کند و بر مبتدعی که بدعتش را تبلیغ می‌کند سلام کند».

۱- «الاعتصام» (۸۳/۱).

۲- «الاعتصام» (۸۳/۱).

۳- «الآداب الشرعية» (۲۳۷).

برائت ائمه‌ی اهل سنت از فرقه صوفیه:

از جمله کسانی که در دوران معاصر؛ نمود بارز اهل بدعت بشمار می‌روند؛ روافض و صوفیه هستند. در کلام سلف صالح اقوال زیادی در نهی از مصاحبت و همنشینی با این دو فرقه مشاهده می‌کنیم، چرا که آن دو فرقه از مسیر روشن بخش اسلام خارج گشته‌اند و به خرافات و باطل گراییده‌اند!

قال ابن الجوزي: عن يحيى بن معاذ يقول: «اجتنب صحبة ثلاثة أصناف من الناس العلماء الغافلين والفقراء المدهنين والمتصوفة الجاهلين».

وإسناد عن يونس بن عبد الأعلى قال: سمعت الشافعي يقول: «لو أن رجلاً تصوف أول النهار لا يأتي الظهر حتى يصير أحمق». وعنه أيضاً أنه قال: ما لزم أحد الصوفية أربعين يوماً فعاد عقله إليه أبداً^۱.

امام ابن جوزی در کتاب «تلبیس ابلیس» آورده: از یحیی بن معاذ نقل است که فرمود: «از صحبت سه گروه بپرهیزید: عالمان غافل، فقیران تملق گو و صوفیان جاهل».

و با اسنادی از یونس بن عبدالأعلى آورده است: شنیدم که شافعی می‌فرمود: «اگر کسی در اول روز صوفی شود هنوز ظهر آن روز نرسیده که او احمق گشته است». و باز از او نقل کرده که فرمود: «هر کس چهل روز با صوفیان بنشیند هرگز عقلش به جا نمی‌ماند».

نشانه صداقت در ولاء و براء (دوستی و دشمنی بخاطر خدا):

قال سفیان الثوري رحمته الله: «إذ أحببت الرجل في الله، ثم أحدث في الإسلام فلم تبغضه عليه فلم تحبه في الله»^۲.

۱- «تلبیس ابلیس» (۴۴۷).

۲- «الحلیة الأولیاء» (۳۴/۷).

امام سفیان ثوری رحمته می‌فرماید: «هرگاه کسی را بخاطر الله دوست داشتی، سپس آن شخص بدعتی در اسلام ایجاد کرد و تو بخاطر آن بدعتش وی را مبعوض نداری، پس بدان که او را بخاطر خدا دوست نداشته‌ای».

زیان شبهات:

کسی که عاقل باشد خود را در مقابل شبهات قرار نمی‌دهد، زیرا از جمله آفتهای دین و اعتقاد سالم، شبهات هستند.

قال شیخ الاسلام ابن تیمیة رحمته: «من عرف الشبهة ولم يعرف فسادها قد يستضر بها»^۱.

شیخ الاسلام رحمته فرمودند: «هرکس شبهه را بشناسد ولی فساد آنرا نداند، بزودی بوسیله آن زیان می‌بیند».

دنباله روی مردم از حاکمان:

یکی از نعمتهایی که خداوند متعال به مردم عطاء می‌کند، نعمت داشتن یک حاکم عادل و خداترس است. چنین حاکمی است که هم خدای متعال وی را نصرت می‌دهد و هم محبت او را در قلب مردمانش قرار می‌دهد و از او اطاعت می‌کنند، و این تعامل موجب می‌گردد جامعه بهتر از هر وقت دیگری اداره شود و رفاه و آسایش و عدالت اجتماعی در جامعه ایجاد شود. اما اگر حاکم اهل عدل و تقوا نباشد و از آخرت خویش بیم نداشته باشد، قطعاً مردم نیز از او رضایت نخواهند داشت و طبیعتاً اطاعت از او را به سرپیچی و عصیان مبدل می‌گردانند! و با این حساب مشخص است که جامعه به چه سمت و سویی می‌رود..

۱- «منهاج السنة النبویة» (ج ۵، ص: ۲۸۳).

قال عمر رضی الله عنه: «إِنَّ النَّاسَ لِيُؤَدُّونَ إِلَى الْإِمَامِ مَا أَدَى الْإِمَامُ إِلَى اللَّهِ، وَإِنَّ الْإِمَامَ إِذَا رَتَعَ رَتَعَ الرَّعِيَةَ»^۱. امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمودند: «مردم به همان اندازه از رهبر و پیشوای خود حرف شنوی خواهند داشت که او از خدای خود داشته باشد و اگر حاکم رفاه طلب باشد، رعیت نیز رفاه طلب خواهد شد».

نقش علمای دین در هدایت یا گمراهی مردم:

گروهی از مردم هستند که نقش بسزایی در دین و اعتقادات مردم دارند؛ از جمله آنها می‌توان به علماء و حکام اشاره نمود. هرگاه علماء و حکام بر صراط مستقیم باشند تأثیر آنها بر اصلاح اعتقادات مردم چشم‌گیر خواهد بود، و هرگاه دچار لغزش و انحراف گردند باز تأثیر خواهند گذاشت اما این بار موجب نابودی دین و اعتقاد مردم خواهند شد.

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمودند:

«يهرمه زلّة العالم، وجدال المنافق بالكتاب، وحكم الأئمة المضلّين»^۲.
«اسلام را لغزش علما و جدل‌های منافقین دانا به قرآن و امامان گمراه، نابود می‌سازد».

حدثنا يحيى ابن يمان، قال: سمعت سفیان الثوري، يقول: «الأعمال السيئة داء، والعلماء دواء، فإذا فسد العلماء فمن يشفي الداء؟»^۳. يحيى بن يمان می‌گوید: شنیدم که سفیان ثوری می‌فرمود: «اعمال و کارهای بد و زشت

۱- «موسوعة فقه عمر بن الخطاب» د. محمد قلعجي (ص ۱۴۶).

۲- «سنن الدارمی» (۱/ ۸۲)، و ألبانی در مشکاة المصابيح (۱/ ۸۹) گفته: اسناد آن صحیح است.

۳- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

درد هستند و علماء دواى آن دردها هستند، هرگاه علماء فاسد شدند پس چه كسى دردها را درمان كند؟».

چند نصیحت زیبا از عمر بن خطاب رضی الله عنه:

یقیناً انسان تا مادامیکه راز خود را پوشیده نگه دارد، حاکم خویشتن است، اما بعد از آنکه راز خود را افشا نماید، کنترل اوضاع از دستش خارج می‌شود و عواقب آن به خودش بر می‌گردد.

قال عمر ابن خطاب رضی الله عنه: «من كتم سره كانت الخيرة في يديه».

«هر كس راز خود را بپوشاند، زمام خیر به دست اوست».

انسان قبل از دیگران مسئول خویشتن است. پس نباید کاری کند که در معرض تهمت و سوء ظن مردم قرار گیرد. و اگر احتمال می‌داد که رفتارش برای مردم شک برانگیز است، فوراً حقیقت امر را آشکار سازد و گمان‌های بد را برطرف نماید.

وقال: «من عرض نفسه للثمة فلا يلومن من أساء به الظن». «هر كس خود

را در معرض تهمت و سوء ظن قرار دهد، كسى جز خویشتن را سرزنش نكند».

برادران دینی باعث سعادت انسان می‌شوند، در وقت صلح و خوشی، همنشینان خوبی هستند و در اعمال نیک و تقوا با انسان همکاری خواهند کرد و به هنگام مصیبت و بلا، یاوران خوبی هستند که تا آخرین لحظه با جان و مال در کنار برادر مسلمان خود خواهند بود و او را بر خویشتن ترجیح خواهند داد حتی اگر خودشان در مضیقه باشند.

قال: «عليك ياخوان الصدق تعش في أكنافهم فإنهم زينة في الرخاء وعدة في

البلاء»^۱. «برای خود برادران نیک جهت مجالست برگزین، چرا که آنها باعث

۱- منبع: «تاریخ دمشق» (۳۵۹/۴۴) و «الإخوان لابن أبي الدنيا» (۱۱۶).

زینت تو در روزهای خوش و پشتوانه ات در روزهای ناگوار خواهند بود».

ادب سلف صالح نسبت به پیامبر ﷺ حتی بعد از وفاتش..

قال یعقوب بن المسیب: دخل المطلب بن حنطب بن سعید بن المسیب فی مرضه وهو مضطجع فسأله عن حدیث، فقال: أقعدونی فأقعدوه، قال: «إني أكره أن أحدث حدیث رسول الله ﷺ وأنا مضطجع»^۱.

یعقوب پسر مسیب می گوید: مطلب بن حنطب به عیادت سعید بن مسیب رفت و دید که او بر پهلو خوابیده است، مطلب از وی درباره حدیثی پرسید، سعید گفت: مرا بنشانید، او را نشانندند، سپس فرمود: «من ناپسند می دانم که در حالت خوابیده حدیث رسول خدا ﷺ را بازگو نمایم».

چند خصلتی که هر انسانی - چه مسلمان یا کافر - باید از آن برخوردار باشند:

عن میمون بن مهران، قال: «ثلاث المؤمن والكافر فیهن سواء: الأمانة تؤدیها إلى من ائتمنك علیه من مسلم وكافر، وبر الوالدین، والعهد تفي به لمن عاهدت من مسلم أو كافر»^۲.

میمون بن مهران رضی الله عنه فرمود: «سه چیز هستند که مؤمن و کافر در آن همسان هستند: بازگرداندن امانت به کسی که به تو اطمینان کرده حال چه او مسلمان باشد یا کافر، احسان نسبت به والدین، و وفای به عهد با کسی که با تو عهد بسته چه مسلمان باشد یا کافر».

۱- «الحلیة الأولیاء» ابی نعیم اصفهانی.

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

گناهان و تاثیر آنها بر قلب:

شیطان می‌کوشد تا قلب‌های پاک و روشن را با انواع مکر و حيله بفریبد، اما برای فریفتن قلب‌های سیاه زحمت زیادی به خرج نمی‌دهد!

قال میمون بن مهران: «إن العبد إذا أذنب ذنباً نكت في قلبه بذلك الذنب نكتة سوداء، فإن تاب محيت من قلبه فترى قلب المؤمن مجلي مثل المرأة، ما يأتيه الشيطان من ناحية إلا أبصره، وأما الذي يتتابع في الذنوب فإنه كلما أذنب ذنباً نكت في قلبه نكتة سوداء، فلا يزال ينكت في قلبه حتى يسود قلبه، ولا يبصر الشيطان من حيث يأتيه»^۱.

میمون بن مهران فرمود: «هرگاه بنده ای گناهی را مرتکب شود نقطه‌ی سیاهی بر قلبش پدیدار می‌شود، ولی هرگاه توبه کرد آن نقطه سیاه از قلبش پاک می‌شود، پس قلب مؤمن مانند آینه روشن است، و شیطان (برای فریفتن او) جز با زیر نظر گرفتن وی (و حيله) سراغش نمی‌آید. اما آنکس که مدام در حال گناه است با هر گناهی که انجام می‌دهد نقطه‌ی سیاهی بر قلبش پدیدار می‌گردد تا آنکه قلبش کاملاً سیاه می‌شود، و شیطان هرگاه سراغش برود نیازی به فریب و زیر نظر گرفتنش ندارد».

سخنی زیبا از ابن مسعود رضی الله عنه درباره صداقت در حق جوئی:

عن عبد الرحمن بن عبد الله بن مسعود، عن أبيه، قال: أتاه رجل فقال: يا أبا عبد الرحمن علمني كلمات جوامع نوافع. فقال: «أعبد الله ولا تشرك به شيئاً، وزل مع القرآن حيث زال، ومن جاءك بالحق فاقبل منه وإن كان بعيداً بغيضاً، ومن جاءك بالباطل فاردد عليه وإن كان حبيباً قريباً»^۲.

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۲- «الحلیة الأولیاء» أبی نعیم اصفهانی.

مردی نزد عبدالله بن مسعود آمد و گفت: کلمات مختصر و مفیدی به من یاد بدهید، فرمود: «الله را عبادت کن و برای او شریک قرار مده، و همواره عمر خود را با قرآن سپری کن، و هرکس که با حق نزد تو آمد از وی بپذیر هرچند که غریب و دشمن باشد، و هرکس که با باطل نزد تو آمد آنرا نپذیر هرچند که دوست نزدیک باشد».

روش امر به معروف و نهی از منکر:

روش امر به معروف و نهی از منکر، در برخورد با افراد مختلف، متفاوت است. معمولاً طبع آدمی بگونه ای است که موافق با نرمی و مدارا است و از آن بیشتر تأثیر می‌پذیرد، اما نرم برخورد کردن با تمامی انسان‌ها مفید واقع نمی‌شود.

قال حافظ ابن رجب: قال بعض السلف: «من وعظ أخاه فيما بينه وبينه فهي نصيحة، ومن وعظه على رؤوس الناس فإنما وبَّخه»^۱.

حافظ ابن رجب رحمته می‌فرماید: یکی از علمای سلف (پیشینیان ما) گفته است:

«هرکس برادرش را پنهانی وعظ و اندرز دهد این همان نصیحت (واقعی) است، اما هرکس او را نزد مردم و دیگران اندرز دهد در حقیقت او را توبیخ می‌کند».

وقال الفضيل بن عياض رحمته: «المؤمن يستر وينصح، والفاجر يهتك ويعير»^۲.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۹۱).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۹۱).

و فضیل بن عیاض رحمته فرمودند: «مؤمن خطای مردم را می‌پوشاند و نصیحت می‌کند، اما انسان فاجر خطای مردم را افشاء می‌کند و سرزنش می‌کند».

وقال أحمد رحمته: «الناس محتاجون إلى مداراة ورفق في الأمر بالمعروف بلا غلظة إلا رجل معلن بالفسق فلا حرمة له»^۱.

و امام احمد رحمته فرمودند: «مردم در هنگام امر به معروف به مدارا و نرمی نیاز دارند نه شدت و تندى، مگر برای مردی که علناً گناه و فسق می‌کند که دیگر حرمتی برایش نیست».

وقال سفیان الثوري رحمته: «لا يأمر بالمعروف ولا ينهى عن المنكر إلا من كان فيه خصال ثلاث: رفيق بما يأمر، رفيق بما ينهى، عدل بما يأمر، عدل بما ينهى، عالم بما يأمر، عالم بما ينهى»^۲.

و امام سفیان ثوری رحمته فرمود: «کسی امر به معروف و نهی از منکر نکند مگر آنکه سه ویژگی را دارا باشد: به آنچه که امر و نهی می‌کند با نرم خوئی رفتار کند، و به آنچه که امر و نهی می‌کند منصفانه برخورد کند، و به آنچه که امر و نهی می‌کند علم داشته باشد».

خداشناس واقعی، موحد است

قال حافظ ابن رجب: قال بعض السلف: «يا رب، عجبت لمن يعرفك كيف يرجو غيرك! وعجبت لمن يعرفك كيف يستعين بغيرك!»^۳.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۳۴۲).

۲- «الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر للخلال» (ص: ۴۶).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۲۰۶).

حافظ ابن رجب رحمته می‌فرماید: یکی از علمای سلف (پیشین) گفته است: «پروردگارا! تعجب می‌کنم از آنکس که تو را می‌شناسد اما از غیر تو امید دارد! و تعجب می‌کنم از آنکس که تو را می‌شناسد اما از غیر تو یاری می‌طلبد!».

مجادله در امر دین موجب قساوت قلب است:

یکی از صفات ناپسندی که شریعت نیز آنرا نهی کرده است، مجادله بر سر مسائل دینی با مردم است. درحالیکه هیچ خیری در جدال نیست اما با این وجود متأسفانه بعضی از مسلمانان همواره جدال می‌کنند و بنظر می‌رسد از آن لذت می‌برند! قطعاً خیر و نیکی در چیزی است که خدا به آن امر کرده و از آن نهی می‌کند، نه در آنچه‌ی که ما گمان می‌کنیم! چه بسا به قصد رسیدن به نیکی با افرادی مجادله کنیم درحالیکه نیکی در ترک آن جدال است.

قال الهیثم بن جمیل: «قلت لمالك رحمته یا أبا عبد الله الرجل یكون عالماً بالسنن یجادل عنها؟ قال: لا، ولكن یخبر بالسنة فإن قبلت منه وإلا سکت»^۱.

هیثم بن جمیل گوید: «به مالک بن انس رحمته گفتم: ای ابا عبدالله اگر مردی به سنت آگاه باشد بوسیله آن با مردم مجادله می‌کند؟ فرمود: خیر، بلکه سنت را به مردم می‌رساند، اگر قبول کرد چه بهتر وگرنه ساکت شود».

وقال إسحاق بن عیسی: کان مالک رحمته یقول: «المراء والجدال فی العلم یذهب بنور العلم من قلب الرجل»^۲.

و اسحاق بن عیسی گفت: امام مالک می‌فرمود: «نزاع و مجادله در علم، نور علم را از قلب شخص می‌زداید».

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۲).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۲).

وقال ابن وهب: «سمعت مالكا رحمته يقول: المرء في العلم يقسي القلب، ويورث الضغن»^۱.

و عبدالله بن وهب فرمود: «شنیدم که امام مالک رحمته می فرمود: مجادله در علم موجب قساوت قلب و ایجاد کینه می شود».

وقال الأوزاعي رحمته: «إن الله إذا أراد أن يحرم عبده بركة العلم ألقى على لسانه المغاليط، فلقد رأيتهم أقل الناس علماً»^۲.

امام اوزاعی رحمته فرمودند: «هرگاه خداوند متعال بخواهد بنده اش را از برکت علم محروم سازد، مغلطه و سفسطه را بر زبانش القاء می کند، و برای همین می بینی که کم علم ترین مردم آنها هستند».

وقال ميمون بن مهران رحمته تعالى: «لا تمار عالما ولا جاهلا، فإنك إذا ماريت عالما خزن عنك علمه، وإن ماريت جاهلا خشن بصدرك»^۳.

و ميمون بن مهران فرمود: «نه با فرد عالم و نه جاهل مجادله نکن، زیرا اگر با شخص عالم مجادله کنی علمش را از تو محروم می کند، و اگر با شخص جاهل مجادله کنی تو را به خشم می آورد».

سوال کردن از چیزی که وجود خارجی ندارد، جدال با دین است:

قال ابن عمر رحمتهما: «لا تسألوا عما لم يكن فإني سمعت عمر رضي الله عنه لعن السائل عما لم يكن»^۴.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۲).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۲).

۳- «جامع بیان العلم وفضله» (۱/ ۱۲۹).

۴- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۱).

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمود: «از چیزی که وجود ندارد سؤال نکنید، چرا که من شنیدم عمر رضی الله عنهما چنین کسی را لعن کرد».

چرا دعای ما اجابت نمی‌شود؟

بسیاری از مردم از اجابت نشدن دعای خود شکوه دارند! اما براستی که این افراد برای اجابت دعای خود هیچ اقدامی نکرده‌اند. حداقل تأثیر دعا آنست که شخص دعاگو دارای اجر و ثواب خواهد شد، هرچند که دعایش اجابت نشود، زیرا دعا عبادت است و خدای متعال دعایی را که با شرک همراه نباشد، جزای خیر می‌دهد.

قال یوسف بن أسباط رحمته الله: «بلغنا أن دعاء العبد يجبس عن السماوات بسوء المطعم»^۱.

یوسف بن اسباط رحمته الله فرمود: «به ما گفته‌اند که دعای بنده به دلیل غذای حرام در آسمانها حبس می‌شود».

وقال وهب ابن منبه رحمته الله: «مثل الذي يدعو بغير عمل كمثل الذي يرمي بغير وتر»^۲.

و وهب ابن منبه رحمته الله فرمود: «مَثَلُ كَسِيٍّ كَسَى بِدُونِ اِنْجَامِ عَمَلٍ (صالح) دعا می‌کند بمانند کسی است که بدون کمان تیر بیندازد».

وقال ابن رجب: قال بعض السلف: «لا تستبطئ الإجابة وقد سددت طرقها بالمعاصي»^۳.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۱۵).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۱۶).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۱۶).

و یکی از علمای سلف فرموده: «راه‌های اجابت دعا را بوسیله انجام معاصی مسدود مگردان».

نصیحتی از عمر بن خطاب رضی الله عنه برای کاشتن بذر محبت در قلوب مردم:

قال عمر بن الخطاب رضی الله عنه: «ثلاث تثبت لك الود في صدر أخيك: أن تبدأه بالسلام وتوسع له في المجلس، وتدعوه بأحب الأسماء إليه»^۱.

عمر ابن خطاب رضی الله عنه فرمودند: «سه چیز محبت تو را در قلب برادرت می‌کارد: اینکه ابتدا تو بر او سلام کنی، و در مجلس جایی برای او (جهت نشستن) باز کنی، و او را با محبوبترین اسمها نزد او صدا بزنی».

تأثیر بدعت بر سنت:

زیان ایجاد بدعت در دین تنها به رشد انحراف و گمراهی در جامعه اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه منجر به نابودی و ترک سنت نیز می‌شود.

عن لقمان بن أبي إدريس الخولاني: أنه كان يقول: «ما أحدثت أمة في دينها بدعة إلا رفع بها عنهم سنة»^۲.

از ابی ادريس خولانی رضی الله عنه نقل شده که می‌فرمود: «هیچگاه امت اسلام بدعتی را در دین ایجاد نمی‌کند مگر آنکه بخاطر آن سنتی از میان‌شان برداشته می‌شود».

شوخی با لفظ طلاق:

متأسفانه بعضی از مردم به خطیر بودن تلفظ طلاق واقف نیستند، چرا که بنا به فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله تلفظ طلاق چه با شوخی گفته شود یا جدی،

۱- «آداب العشرة للغزی» (۱۶).

۲- «الاعتصام» (۱/ ۴۰).

واقع می‌شود. از اینرو باید مراقب باشیم که نه شریعت را به استهزاء بگیریم و نه خود را در موقعیتی قرار دهیم که جز ندامت چیزی نداشته باشد.

قال ابن عباس رضی الله عنهما لرجل قال له: إني طَلَّقت امرأتي مائة تطليقة، فما ذا ترى عليّ؟ قال: «طلَّقت منك ثلاث، وسبع وتسعون اتَّخذت بها آيات الله هزوا»^۱.

ابن عباس رضی الله عنهما ما به مردی که به وی گفته بود: من زخم را صد مرتبه طلاق گفتم! نظر تو درباره من چیست؟ گفت: «سه طلاق از تو به درستی صادر گشته، اما نود و هفت بار بوسیله آن آیات خدا را مسخره کرده‌ای».

علامت انسان جاهل:

قال أبو الدرداء رضی الله عنه: «علامة الجاهل ثلاث: العجب، وكثرة المنطق فيما لا يعنيه، وأن ينهي عن شيء ويأتيه»^۲.

ابودرداء رضی الله عنه فرمود: «علامت انسان جاهل سه چیز است: خودبزرگ بینی، زیاد سخن گفتن از چیزی که سودی برایش ندارد، و از چیزی نهی کند درحالی‌که خود انجام می‌دهد».

آداب ملاقات کردن سلف صالح:

عن أنس رضی الله عنه قال: «كان أصحاب النبي صلى الله عليه وآله وسلم إذا تلاقوا تصافحوا، وإذا قدموا من سفر تعانقوا»^۳.

۱- «الموطأ» (۵۵۰).

۲- «جامع بيان العلم وفضله» (۱/ ۱۴۳).

۳- هیشمی (۳۶/ ۸) گفته: طبرانی در معجم الأوسط روایت کرده و رجال سند آن رجال صحیحی هستند.

انس رضی الله عنه فرمود: «اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه همدیگر را ملاقات می کردند با هم مصافحه می کردند، و هرگاه از سفر باز می گشتند معانقه می کردند».

مصافحه: دست دادن.

معانقه: در آغوش گرفتن، به گردن هم دست در آوردن.

فضیلت دعای استخاره و مشورت کردن:

قال الماوردی: قال بعض الأدباء: «ما خاب من استخار، ولا ندم من استشار»^۱.
 ماوردی در کتاب خود آورده است: یکی از ادیبان گفته است: «ناکام نخواهد شد آنکه استخاره کند، و پشیمان نخواهد شد آنکه مشورت کند».

منظور از استخاره؛ دعای استخاره است که بعد از خواندن دو رکعت نماز خوانده می شود و دعای آن در احادیث صحیح وارد شده است.

حفظ اسرار:

کسی که اسرار خودش را افشاء کند نباید انتظار داشته باشد که دیگران اسرار او را افشاء نکنند.

قال علی بن ابی طالب رضی الله عنه: «سِرُّكُ أَسِيرُكُ، فَإِنْ تَكَلَّمْتَ بِهِ صَرْتَ أَسِيرَهُ»^۲.
 علی بن ابیطالب رضی الله عنه فرمود: «اسرار تو اسیر تو هستند، هرگاه آنرا افشاء کردی اینبار تو اسیر وی خواهی شد».

کرامت انسان ها نزد خدا:

در شریعت اسلام هیچ نژاد و زبانی از بقیه برتر و گرامی تر نیست، بلکه آنکسی گرامی و مکرم هست که ایمان آورده و طاعت خدای صلی الله علیه و آله کند. پس

۱- «أدب الدنيا والدين» (۲۶۰).

۲- «أدب الدنيا والدين، الماوردی» (۲۹۵).

هرکس با هر نژادی مقیدتر و پایبندتر به احکام شریعت باشد، به همان اندازه نیز گرامی تر و مکرم تر هست.

قال سعید بن المسيب: «ما أكرمت العباد أنفسها بمثل طاعة الله ﷻ، ولا أهانت أنفسها بمثل معصية الله، وكفى بالمؤمن نصرة من الله أن يرى عدوه يعمل بمعصية الله»^۱.

سعید بن مسیب رضی الله عنه فرمودند: «هیچگاه یک مؤمن همانند وقتی که طاعت خداوند ﷻ را بجای می آورد، خود را گرامی نمی دارد، و با انجام معصیت خدا به خودش اهانت نمی کند، و برای مؤمن کافیست که خداوند او را یاری دهد که ببیند دشمنش معصیت خدا را انجام می دهد».

وقال ميمون بن مهران: «من كان يريد أن يعلم ما منزلته عند الله ﷻ، فليُنظر في عمله فإنه قادم على عمله كائنا ما كان»^۲.

و میمون بن مهران رضی الله عنه فرمود: «هرکس که می خواهد بداند منزلت و جایگاهش نزد خداوند چیست، پس به عملش نگاه کند، چرا که او با عملش (نزد خدا) خواهد آمد هرچه که باشد».

محبت خداوند در گرو اطاعت از او و پیامبرش است.

قال الحسن رضی الله عنه: «اعلم أنك لن تحب الله حتى تحب طاعته»^۳.

امام حسن بصری رضی الله عنه فرمود: «بدان که تو خدا را دوست نمی داری تا آنکه طاعتش را دوست نداشته باشی».

۱- «الحلیة الأولیاء» ابی نعیم اصفهانی.

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۸۵).

وقال یحیی بن معاذ رحمته: «لیس بصادق من ادعی محبة الله ولم یحفظ حدوده»^۱.
 و یحیی بن معاذ رحمته فرمود: «کسی که ادعای محبت خداوند را داشته
 باشد اما حدودات او را رعایت نکند، در ادعایش صادق نیست».

مخالفت با خداوند:

مخالفت با اوامر خداوند موجب ویرانی دنیا و آخرت خواهد شد.
 عن أبي قیس، عن الحسن، قال: «لا تخالفوا الله عن أمره فإن خلافاً عن أمره
 عمران دار قضي الله علیها بالخراب»^۲.
 امام حسن بصری رحمته فرمودند: «با اوامر خداوند مخالفت نکنید، چرا که
 مخالفت از امر وی موجب آبادانی دنیا است، ولی خداوند متعال (مخالفت با
 خود را) با ویران ساختن آن جبران می‌کند».

ارزش صدقه قبل از وفات:

تا زنده هستیم در فکر آخرت خود باشیم و در کسب توشه بخل نورزیم.
 عن میمون بن مهران، قال: «لئن أتصدق بدرهم في حياتي، أحب إلي من أن
 يتصدق عني بعد موتي بمائة درهم»^۳.
 میمون بن مهران رحمته فرمود: «اگر یک درهم را در زمان حیاتم صدقه
 دهم، بیشتر از آن دوست دارم که صد درهم را بعد از مرگم برایم صدقه
 دهند».

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۸۶).

۲- «الحلیة الأولیاء» ابي نعیم اصفهانی.

۳- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

فرصت کسب توشه تمام می‌شود:

قدر لحظات زندگی را بدانیم، زیرا هر روز به پایان عمر نزدیک‌تر می‌شویم و فرصت کسب اجر و ثواب را از دست می‌دهیم.

قال ابن القيم رحمته: «کم جاء الثواب يسعى اليك فوقف بالباب فرده بواب: سوف ولعل وعسى»^۱.

امام ابن قیم رحمته فرمود: «بسا ثواب به سوی تو می‌آید و در جلوی در می‌ایستد ولی دربان آنرا با آینده و شاید و امید است، رد می‌کند».

زهد چیست و چگونه بدست می‌آید و زاهد کیست؟

قال إبراهيم بن أدهم رحمته: «الزهد ثلاثة أصناف: زهد فرض، وزهد فضل، وزهد سلامة؛ فأما الزهد الفرض فالزهد في الحرام، والزهد الفضل الزهد في الحلال، والزهد السلامة الزهد في الشبهات»^۲.

ابراهیم بن ادهم رحمته فرمودند: «زهد سه نوع است: زهدی که فرض است، و زهدی که فضل است، و زهدی که مایه سلامت است؛ زهد فرض یعنی دوری از حرام، و زهد فضل یعنی بی رغبتی نسبت به حلال، و زهد سلامت یعنی پرهیز از شبهات».

وقال أبو سليمان الداراني رحمته: «اختلفوا علينا في الزهد بالعراق؛ فمنهم من قال: الزهد في ترك لقاء الناس، ومنهم من قال: في ترك الشهوات ومنهم من قال: في ترك الشبع، وكل منهم قريب بعضه من بعض، قال: وأنا أذهب إلى أن الزهد

۱- «الفوائد» (ص: ۶۳).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۳۱۰).

فی ترک ما یشغلک عن الله ﷻ^۱. و ابو سلیمان دارانی رحمته فرمود: «علمای عراق درباره تعریف زهد اختلاف کرده اند: بعضی گفته اند: زهد با ترک مردم (و دنیا) حاصل می شود، و بعضی گفته اند: زهد با ترک شهوات بدست می آید، و بعضی دیگر گفته اند: زهد در ترک سیر شدن از غذا است، و هرکدام از این معانی به هم نزدیکند، و بنظر من زهد یعنی ترک هرآنچیزی که تو را از خداوند ﷻ غافل می کند».

گاهی بعضی از مبتدعان طریقت صوفیه بگونه ای رفتار می کنند که انگار اولیاء الله هستند! و دیگران هم باید مرید آنها باشند و نزد او توبه کنند!! درحالیکه اولیاء الله هیچگاه ادعای زهد و تقوا ندارند، زیرا از ریاء می ترسند. پس ما نیز نباید هر کسی را بعنوان زاهد و ولی خدا بدانیم و اصلاً اولیاء الله از بدعت و خرافات بدور هستند بلکه خود را بر سنت نبوی وفق می دهند.

قال أبو سلیمان رحمته: «لا تشهد لأحد بالزهد؛ فإن الزهد في القلب»^۲.

ابوسلیمان دارانی رحمته فرمود: «به زهد و تقوای هیچکسی شهادت مده! چرا که زهد در قلب است (و ما از آن بی اطلاعیم)».

طاعت خدا با ترس و امید:

اهل سنت و جماعت خدا را مابین ترس و رجاء می خوانند، ترس از قهر خدا و امید به رحمت وی.. ولی بعضی از مردم فقط یک جانب را در نظر گرفته اند؛ مثلاً آنقدر به رحم الهی امید یافته اند که نتیجتاً از انجام گناه و عواقب اخروی آن ترسی ندارند! در حقیقت شیطان با این ترفند آنها را نسبت به انجام گناه جسور کرده است، ولی اینها غافل از اینکه اگر خدا نسبت

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۳۱۰).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۳۰۷).

به مؤمنان رئوف است اما دارای صفت خشم و شدید العقاب نیز هست.

أحمد بن أبي الحواري قال: سمعت أبا سليمان الداراني يقول: «من حسن ظنه بالله ﷻ ثم لا يخاف الله فهو مخدوع»^۱.

ابو سلیمان دارانی رحمته فرمود: «هرکس گمانش را نسبت به خدا نیک گرداند و حسن ظن داشته باشد ولی از خدا نترسد، او فریب خورده است».

شروط پذیرش اعمال نزد خداوند:

قال أبو عبد الله النباحي الزاهد رحمته: «خمس خصال بها تمام العمل: الإيمان بمعرفة الله ﷻ، ومعرفة الحق، وإخلاص العمل لله، والعمل على السنة، وأكل الحلال، فإن فقدت واحدة لم يرتفع العمل»^۲.

ابوعبدالله نباحی رحمته می‌فرماید: «پنج خصلت هستند که عمل توسط آنها کامل (و مقبول) می‌شود: ایمان به شناخت خداوند ﷻ، شناخت حق، اخلاص عمل برای خدا، انجام دادن عمل بر طبق سنت نبوی، خوردن مال حلال، هرگاه یکی از اینها نباشد عمل پذیرفته نمی‌شود».

پس بر طبق این فرمایش امام زاهد (که بر گرفته از روح شریعت است): هرکس مسلمان نباشد یعنی ایمان نداشته باشد، یا حق را نشناسد، یا مرتکب ریا شود، یا مخالف سنت عمل کند و عملش را آمیخته با بدعت انجام دهد، یا مال حرام بخورد، عملش مردود است.

اگر عملی خالصا برای خدا صورت گیرد اما بر طبق تعریف و خواسته‌ی شارع صورت نپذیرد و با بدعت همراه باشد، آن عمل ارزشی ندارد:

۱- «صفة الصفة» (ص: ۴۶۸).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۰۹).

وقال ابن القیم رحمته تعالی: «العمل بغير إخلاص ولا اقتداء كالمسافر يملأ جرابه رملا ينقله ولا ينفعه»^۱.

و امام ابن قیم رحمته فرمود: «عمل بدون اخلاص و مخالف سنت همچون مسافری است که کیسه‌ای پر از شن با خود حمل می‌کند که سودی برایش ندارد».

جایگاه نیت در پذیرش اعمال:

هرآنچه برای رضایت و خشنودی خدای متعال صورت پذیرد، نزد او ارزشمند است و اگر بخواهد برای آن اجر و ثواب در نظر می‌گیرد، پس سعی کنیم تا اعمال خود را به نیت خشنودی خدا انجام دهیم، چرا که خدای متعال به قلب‌ها می‌نگرد نه به ظاهر ما!

قال مطرف بن عبد الله رحمته: «صلاح القلب بصلاح العمل، وصلاح العمل بصلاح النية»^۲. مطرف بن عبدالله رحمته فرمود: «اصلاح قلب با اصلاح عمل روی می‌دهد، و اصلاح عمل نیز با اصلاح و نیک ساختن نیت روی می‌دهد».

وقال ابن المبارک رحمته: «رب عمل صغير تعظمه النية، ورب عمل كبير تصغره النية»^۳.

و عبدالله ابن مبارک رحمته فرمود: «گاهی عملی هرچند کوچک است اما نیت (شخص) آنرا بزرگ می‌کند، و گاهی عملی هرچند بزرگ است اما نیت آنرا کوچک می‌گرداند».

۱- «الفوائد» (۶۷).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۶).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۶).

البته تنها نیت پاک و خالص شرط کافی نیست، بلکه عملی که انجام می‌دهیم باید آنگونه باشد که خدا و رسولش بدان امر داده‌اند، عبارتی عمل انجام شده باید موافق شریعت و سنت باشد و هرگاه چنین عملی با اخلاص صورت گیرد، امید است که مشمول رحمت الهی قرار بگیریم.

قال الفضیل بن عیاض رحمته فی قوله تعالی: «إِن الْعَمَلُ إِذَا كَانَ خَالِصًا وَلَمْ يَكُنْ صَوَابًا لَمْ يُقْبَلْ، وَإِذَا كَانَ صَوَابًا وَلَمْ يَكُنْ خَالِصًا لَمْ يُقْبَلْ، حَتَّى يَكُونَ خَالِصًا صَوَابًا، قَالَ: وَالْخَالِصُ إِذَا كَانَ لِلَّهِ ﷻ وَالصَّوَابُ إِذَا كَانَ عَلَى السَّنَةِ»^۱.

فضیل بن عیاض رحمته فرمود: «هرگاه عمل خالصانه برای خدا باشد ولی درست انجام نشود، پذیرفته نمی‌شود. و هرگاه درست انجام شود ولی خالص برای خدا نباشد، باز پذیرفته نمی‌شود، تا آنکه هم خالص باشد و هم درست انجام شود. و فرمود: خالص یعنی آنکه عمل تنها برای خدا باشد و درست یعنی آنکه عمل بر طبق سنت نبوی انجام شود».

وقال شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمته: «إِن النِّیَّةَ المَجْرَدَةَ مِنَ الْعَمَلِ یَثَابُ عَلَیْهَا وَالْعَمَلُ المَجْرَدُ عَنِ النِّیَّةِ لَا یَثَابُ عَلَیْهِ»^۲.

و شیخ الاسلام رحمته فرمودند: «نیتی که عمل بدنبال نداشته باشد اجر می‌برد، اما عملی که بدون نیت باشد اجر نخواهد برد».

شروط داخل شدن به بهشت:

بهشت با انجام تکالیف شرعی و دوری از گناه حاصل می‌شود، پس کسی که شهادتین می‌آورد اما فرایض دینی خود را انجام نمی‌دهد یا بصورت ناقص انجام می‌دهد، نباید انتظار رحمت الهی را داشته باشد.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۷).

۲- «الفتاوی الکبری» (ص: ۲۱۱).

قيل للحسن رضي الله عنه: إن ناساً يقولون من قال لا إله إلا الله دخل الجنة، فقال: «من قال لا إله إلا الله فأدى حقها وفرضها دخل الجنة»^۱.

به امام حسن بصری رضي الله عنه گفته شد: بعضی از مردم می گویند که هرکس بگوید «لا إله إلا الله» وارد بهشت می شود، ایشان فرمودند: «(آری) هرکس بگوید «لا إله إلا الله» بشرطیکه حق آنرا اداء کند و فرضش را بجای آورد داخل بهشت خواهد شد».

مشغول ساختن زبان به استغفار:

یکی از روش های ساده کسب توشه برای آخرت، اینست که زبان خویش را با اذکار مشغول ساخت. پس شایسته است که در حفظ اذکار روزانه تلاش کنیم و زبان خویش را در هر حالی که باشیم به آن مشغول سازیم؛ چه که این کار زبان را از مشغول شدن به غیبت و سخن چینی و دیگر آفت های آن باز می دارد و در عوض خیر و حسنه را برای ما به ارمغان می آورد. ساده ترین ذکری که هر شخصی می تواند آنرا بخواند، اذکار «استغفرالله» و «سبحان الله» و یا «الله اکبر» است، پس اگر دیگر اذکار را بلد نیستیم، زبان خود را با استغفار مشغول سازیم، چرا که گناهان ما بسیار است و قابل شمارش نیست ولی خدای متعال توبه و استغفار را کفاره گناهان قرار داده است.

قالت عائشة رضي الله عنها: «طوبى لمن وجد في صحيفته استغفراً كثيراً»^۲.

عایشه رضي الله عنها فرمود: «خوشا بحال آنکسی که در صحیفه اعمال او استغفار زیادی ثبت شده است».

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۲۲۴).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۱۵).

وقال قتادة رضی اللہ عنہ: «إن هذا القرآن يدلکم علی دلائکم وودائکم، فأما داؤکم فالذنوب وأما دواؤکم فالاستغفار»^۱.

و قتاده رضی اللہ عنہ فرمود: «این قرآن برای شما درد و دواى شما را بیان کرده، درد شما گناه است و دواى آن استغفار و طلب مغفرت الهی است».

وقال الحسن رضی اللہ عنہ: «أكثرنا من الاستغفار في بيوتكم وعلی موائدكم وفي طرقكم وفي أسواقكم وفي مجالسكم وأینما كنتم؛ فإنكم ما تدرن متى تنزل المغفرة»^۲. و امام حسن بصری فرمودند: «تا می توانید در خانه هایتان و در وقت سختی و بلایا و در راه و در کوچه و بازار و در مجالس خود و هر جایی که بودید زیاد استغفار کنید، چرا که شما نمی دانید چه وقت مغفرت الهی نازل می شود».

وقال ابن رجب: قال بعض السلف: «يعرض علی ابن آدم یوم القيامة ساعات عمره، فكل ساعة لم يذكر الله فیها تتقطع نفسه علیها حسرات»^۳.

و امام ابن رجب رضی اللہ عنہ فرمودند: یکی از علمای سلف فرموده: «در روز قیامت تمام لحظه های عمر انسان بر او عرضه خواهد شد، و هر لحظه ای که در آن ذکر و یاد خدای متعال را نکرده بخاطر آن در حسرت خواهد بود».

نماز شب:

برتری نماز سنت شب آنست که در سیاهی و سکوت شب انجام می شود و در حالیکه همه خوابند ولی بنده ای که از آخرتش بیمناک است برمی خیزد و وضو می گیرد و خالصانه برای خدایش سجده می برد.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۱۵).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۱۲).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۴۴).

قال ابن مسعود رضی اللہ عنہ: «فضل صلاة الليل على صلاة النهار كفضل صدقة السر على صدقة العلانية»^۱.

ابن مسعود رضی اللہ عنہ فرمود: «فضیلت نماز شب بر نماز روز همانند فضیلت دادن صدقه در خفاء بر صدقه در عیان است».

سکوت کردن و کم سخن گفتن از حکمت است:

گاهی سکوت کردن در مورد بعضی مسائل موجب سالم ماندن فکر و اعتقاد ما نسبت به آنها می‌شود، چه بسا زیاد گفتن درباره آنها ما را از حق منحرف کند، پس همان به که زبان خود را حفظ کنیم، چرا که هرچه بر زبان آوریم ثبت خواهند شد و در قیامت مسئول آن خواهیم بود و از آن سوال می‌شویم.

عن حصین بن عبد الرحمن، عن میمون، قال: «أربع لا تکلم فیهن: علی و عثمان و القدر و النجوم»^۲.

از حصین بن عبدالرحمن روایت شده که میمون بن مهران فرمود: «چهار چیز هستند که نباید در مورد آنها (زیاد) تکلم (و سخن پراکنی) کرد (زیرا ممکن است به ناحق گویی و بیراهه برسد): علی رضی اللہ عنہ، و عثمان رضی اللہ عنہ، و قضاء و قدر، و نجوم (یکی از ابزارهای سحر و کهنات و طالع بینی)».

وعن وهب بن منبه قال: «أجمعت الأطباء (علی) أن رأس الطبّ الحمیة، وأجمعت (الحکماء) أن رأس الحکمة الصمت»^۳.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۲۹۰).

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۳- «حسن السمیت فی الصمت» للسیوطی (ص: ۲۴).

و از وهب بن منبه نقل است که فرمود: «اطباء متفق هستند که رأس سلامت، پرهیز و خودداری کردن است، و حکماء نیز متفقند که رأس حکمت؛ سکوت است».

وقال النخعي رحمته: «يهلك الناس في فضول المال والكلام»^۱.

و نخعی رحمته فرمودند: «مردم بخاطر زیاده روی در کسب مال و سخن گفتن به هلاکت می‌روند».

وأخرج ابن باكويه، عن أحمد بن خالد عن أبيه؛ قال: «أدنى نفع الصّمت السّلامة، وأدنى ضرر (المنطق) الندامة. والصّمت عمّا لا يعني من أبلغ الحكم»^۲.
احمد بن خالد از پدرش نقل می‌کند که گفت: «کم‌ترین نفع سکوت، سلامت است، و کم‌ترین ضرر سخن گفتن پشیمانی است، و سکوت در چیزی که سودی ندارد از کمال حکمت است».

وقال محمد بن عجلان رحمته: «إنما الكلام أربعة: أن تذكر الله، وتقرأ القرآن، وتساءل عن علم فتخبر به، أو تكلم فيما يعنيك من أمر دنياك»^۳.

محمد بن عجلان رحمته فرمودند: «سخن و کلام (مفید) تنها چهار تا هستند: اینکه ذکر خدا کنی، و قرآن قرائت کنی، و از علمی سوال کنی که بتوانی آنرا به دیگران برسانی، و درباره چیزی سخن بگویی که برای دنیایت مفید باشد».

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۴۴).

۲- «حسن السمّت» (۳۲).

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۴۴).

یکی از نشانه‌های تشخیص منافق از مؤمن:

قال الأوزاعي: «إن المؤمن يقول قليلاً ويعمل كثيراً، وإن المنافق يقول كثيراً ويعمل قليلاً»^۱.

امام اوزاعی فرمود: «براستی که مؤمن کم می‌گوید و زیاد عمل می‌کند، ولی منافق زیاد می‌گوید و کم عمل می‌کند».

حفظ زبان:

بعضی از جوارح انسان نقش زیادی در کسب خیر و شر دارند؛ از جمله این اعضاء عورت و چشم و زبان هستند. کنترل هر یک از این اعضاء می‌تواند تا حد زیادی ما را از افتادن در گناهان کوچک و بزرگ در امان بدارد، خصوصاً زبان که می‌تواند گناهان زیادی از جمله غیبت، فحاشی، سخن چینی، دروغ، بهتان و یا جاری کردن سخنان شرک و کفر آمیز را مرتکب شود. اینجاست که کنترل زبان نقش زیادی در کاستن بار گناهان ایفاء می‌کند، از اینرو خداوند متعال و پیامبرش ﷺ ما را بر کنترل زبان سفارش نموده‌اند، و سلف صالح ما نیز همواره بر حفظ زبان تاکید زیادی داشتند:

عن قيس قال: «رأيت أبا بكر أخذاً بطرف لسانه ويقول هذا الذي أوردني الموارد»^۲. قيس می‌گوید: «ابوبکر را در حالی دیدم که کناره‌ی زبانش را گرفته بود و می‌گفت: این، همان چیزی است که مرا به گناه و عذاب گرفتار می‌سازد».

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۲- «صفة الصفة» (۲/۲۵۳).

علامت سعادت و علامت شقاوت:

قال ابن القيم رحمته: «طوبى لمن شغله عيبه عن عيوب الناس وويل لمن نسي عيبه وتفرغ لعيوب الناس، فالأول علامة السعادة والثاني علامة الشقاوة»^۱.

امام ابن قیم رحمته فرمود: «خوشا بحال کسی که پرداختن به عیبش وی را از عیوب مردم غافل کرده، و وای بر آنکسی که عیب خود را فراموش کرده و به عیوب مردم پرداخته، اولی نشانه سعادت است و دومی نشانه شقاوت».

زیاد خندیدن:

زیاد خندیدن موجب خواهد شد که سختی عذاب جهنم را از یاد ببریم، و هرگاه سختی عذاب جهنم را از یاد بردیم از انجام گناه هراسی نخواهیم داشت و از انجام عمل صالح غافل خواهیم گشت.

قال الحسن: «ضحك المؤمن غفلة من قلبه». وقال: «كثرة الضحك تميت القلب»^۲.

امام حسن بصری رحمته فرمودند: «خندهی (زیاد) مؤمن غفلتی از قلبش است».

و فرمود: «خندهی زیاد قلب را می میراند».

خصلت‌هایی که به سود انسان هستند، و خصلت‌هایی که به ضرر وی اند

عن العلاء بن الحارث، عن مكحول، قال: «أربع من كن فيه كن له، وثلاث من كن فيه كن عليه. فأما الأربع اللاتي له، فالشكر، والإيمان والدعاء،

۱- «طريق الهجرتين» (ص: ۱۷۶).

۲- «الحلية الأولياء» أبي نعيم اصفهانی.

والاستغفار، قال الله تعالى: ﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ﴾ [النساء: ۱۴۷]. وقال: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۳]. وقال: ﴿مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾ [الفرقان: ۱۷۷]. وأما الثلاث اللاتي عليه، فالممكر، والبغي، والنكث، قال الله تعالى: ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ﴾ [الفتح: ۱۰]. وقال: ﴿وَلَا يَحِيْقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ﴾ [فاطر: ۴۳]. وقال: ﴿إِنَّمَا بُعِثْتُكُمْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ﴾ [يونس: ۲۳].^۱

از مکحول (فقیه شام) نقل شده که فرمود: «چهار چیز در هرکس باشد به نفعش خواهد بود، و سه خصلت است که هر کس آنها را داشته باشد، بر علیه علیه خودش هستند. چهار چیزی که برای اوست: شکر، و ایمان و دعاء و استغفار است، خداوند متعال می فرماید: ﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ﴾ «خدا چه نیازی به مجازات شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید؟» و می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ «و تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند» و می فرماید: ﴿مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾ «اگر دعای شما نباشد پروردگارم برای شما ارج و بهائی قائل نیست». و اما سه چیزی که بر علیه خودش است: نیرنگ و تجاوز و عهد شکنی است، خداوند متعال می فرماید: ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ﴾ «پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است» و می فرماید: ﴿وَلَا يَحِيْقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ﴾ «و نیرنگ بد تنها دامان

صاحبانش را می‌گیرد» و می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ﴾ «سرکشی شما فقط به زبان خود شماست».

حیاء از ایمان است:

یکی از صفت‌هایی که زینت بخش اخلاق و ایمان یک انسان است؛ حیاء اوست. داشتن این صفت است که او را از بسیاری از اخلاق‌های زشت و گناهان دیگر دور نگه می‌دارد، و نبود آن یعنی آنکه هرچه دل بخواهد انجام دهد! پس بر والدین شایسته است که این خصلت و صفت نیک را در فرزندان خود پرورش دهند تا خود آنها و جامعه نیز از ثمره آن بهره مند شوند.

قال عمر رضی الله عنه: «من قلّ حیاءه قلّ ورعه، ومن قلّ ورعه مات قلبه»^۱.

عمر رضی الله عنه فرمود: «هرکس حیاءش کم باشد، تقوایش کم است، و هرکس تقوایش کم باشد قلبش مرده است».

وقال ابن مسعود رضی الله عنه: «من لا یستحیی من الناس لا یستحیی من الله»^۲.

ابن مسعود رضی الله عنه فرمود: «هرکس از مردم حیاء و شرم نکند، از خدا شرم نمی‌کند».

وقال وهب بن منبه: «الإیمان عریان، ولباسه التّقوی، وزینته الحیاء، وماله العفّة»^۳.

وهب بن منبه رضی الله عنه فرمود: «ایمان عریان است، و لباسش تقوا و پرهیزکاریست، وزینتش حیاست، و مالش عفت است».

خجالت با حیاء متفاوت است:

۱- «مکارم الأخلاق، لابن أبی الدنیا» (۲۰).

۲- «مسند أحمد رواية البغوی» (۷۶).

۳- «مکارم الأخلاق لابن أبی الدنیا» (۲۱).

قال مجاهد: «لا يتعلم العلم مستحي ولا مستكبر»^۱.

مجاهد رحمته فرمود: «انسان کم رو و خجل و انسان متکبر و مغرور، علم یاد نمی‌گیرند».

بعضی از صفات سلف صالح برای کسانی که دوست دارند بر منهج آنها گام بردارند:

عن الأوزاعي، قال: «كان يقال: خمس كان عليها أصحاب محمد صلوات والتابعون بإحسان، لزوم الجماعة، واتباع السنة، وعمارة المسجد، وتلاوة القرآن، والجهاد في سبيل الله»^۲.

امام اوزاعی رحمته فرمود: «پنج چیز بود که اصحاب محمد صلوات و تابعینی که در نیکی از آنها پیروی کردند همواره بر آن پایبند بودند: التزام به جماعت، پیروی از سنت نبوی، آبادانی مسجد، و تلاوت قرآن، و جهاد در راه خدا».

پرخوری و شکم چرانی:

یکی از صفات بارز سلف صالح پرهیز از پرخوری و لذت جویی بود، چرا که اهمیت دادن به این مسائل موجب می‌شود که دنیاخواهی در وجود ما تقویت شود و به همان نسبت نیز ما را از آخرت و عذاب جهنم غافل می‌دارد، و مشخص است که عواقب غفلت از عذاب جهنم چه آثاری بر اعمال ما برجای می‌گذارد!

قال عمرو بن قيس رحمته: «إياكم والبطننة فإنها تقسي القلب»^۳.

۱- «البخاری - الفتح» (۱/۲۷۶).

۲- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

۳- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۴۳).

عمرو بن قیس رضی الله عنه فرمود: «مراقب باشید و از شکم چرانی و پرخوری بپرهیزید، چرا که موجب قساوت قلب می شود».

وقال مالك بن دينار رضی الله عنه: «ما ينبغي للمؤمن أن تكون بطنه أكبر همه، وأن تكون شهوته هي الغالبة عليه»^۱.

مالك بن دينار رضی الله عنه «شایسته مسلمان نیست که شکمش بزرگ‌ترین هم و غمش باشد! هرچند که شهوت و اشتهايش بر وی غلبه کند».

پرهیز از مشتبهات از ورع است:

گاهی حکم بعضی از چیزها را نمی‌دانیم که آیا حلال است یا حرام؟ در چنین حالتی یک مسلمان متقی اقدامی نمی‌کند تا آنکه حکم آن برایش مشخص شود و تا آنزمان از آن پرهیز می‌کند.

قال أبو عبد الرحمن العمري الزاهد رضی الله عنه: «إذا كان العبد ورعاً ترك ما يريبه إلى ما لا يريبه»^۲.

ابو عبدالرحمن زاهد فرمودند: «هرگاه بنده ای متقی و پرهیزکار باشد؛ آنچه که وی را به شک اندازد رها کند و چیزی که او را به شک نیاندازد چنگ زند».

چگونگی مبارزه با دنیاخواهی و نفس سرکش و شیطان لعین:

قال يحيى بن معاذ الرّازي: «أعداء الإنسان ثلاثة: دنياه، وشیطانه، و نفسه، فاحترس من الدّنيا بالزّهد فيها، ومن الشّيطان بمخالفته، ومن النّفس بترك الشّهوات»^۱.

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۴۴۳).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۱۷).

یحیی بن معاذ فرمود: «دشمنان انسان سه تا هستند: دنیا و شیطان و نفسش؛ بوسیله زهد در دنیا از آن برحذر باش، و با مخالفت کردن، از شیطان بپرهیز، و بوسیله ترک شهوات مراقب (هوای) نفس باش».

عاقبت سستی در کسب فضایل:

فضایل اعمال، و سنتها، و فرائض دینی، همه جزو مطلوبات شارع حکیم هستند که یک مسلمان نباید از انجام هیچ نوع از آن اعمال حسنه غافل بماند. اگر در انجام یکی از انواع حسنات کوتاهی کند بزودی در بقیه نیز کوتاهی می‌کند، و کسی که گناه کوچکی مرتکب شد و توبه نکرد این بار قبح و زشتی گناه کردن نزد او از بین می‌رود.

قال عبد الله بن المبارك رحمته: «من تهاون بالأدب عوقب بحرمان السنن، ومن تهاون بالسنن عوقب بحرمان الفرائض، ومن تهاون بالفرائض عوقب بحرمان المعرفة»^۲.

عبدالله ابن مبارک رحمته فرمود: «هرکس در ادب کوتاهی کند با محروم شدن از سنتها مجازات می‌شود، و هرکس در انجام سنتها کوتاهی کند با محروم شدن از فرائض مجازات می‌شود، و هرکس در انجام فرائض کوتاهی کند با محروم شدن از شناخت و معرفت مجازات می‌گردد».

از نشانه‌های رویگردانی الله تعالی از بنده‌اش:

قال الحسن رحمته: «من علامة إعراض الله تعالى عن العبد أن يجعل شغله فيها لا يعنيه»^۱.

۱- «نصرة النعيم» (ص: ۳۳۱۵).

۲- «شرح الأدب المفرد» (۲/۳۹۷).

امام حسن بصری رحمته فرمودند: «از نشانه‌های رویگردانی الله تعالی از بنده اینست که وی را به چیزی که سودی برای قیامتش ندارد مشغول می‌سازد».

تفاوت بین مؤمن متقی و انسان فاسق در گناه کردن!

قال ابن مسعود رضی الله عنه: «إن المؤمن يرى ذنوبه كأنه في أصل جبل يخاف أن يقع عليه، وإن الفاجر يرى ذنوبه كذباب طار على أنفه»^۲.

ابن مسعود رضی الله عنه فرمود: «انسان مؤمن گناهش را همچون کوهی می‌بیند و می‌ترسد که بر وی بیافتد! و شخص فاجر گناهش را همچون مگسی می‌بیند که به دور بینیش می‌چرخد!».

قلبهایی که استحقاق آتش جهنم را دارند:

قال ابن القيم رحمته: «خلقت النار لإذابة القلوب القاسية»^۳.

امام ابن قیم رحمته فرمود: «آتش جهنم برای ذوب کردن قلبهای سخت آفریده شده است».

صبر بر عذاب جهنم ممکن نیست!

قال ابن القيم رحمته: «الصبر عن الشهوة أسهل من الصبر على ما توجه الشهوة»^۴. امام ابن قیم رحمته فرمودند: «صبر کردن در برابر شهوت آسان تر است از صبر کردن در برابر عقوبت‌های شهوت».

۱- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۲۴).

۲- «جامع العلوم والحکم» (ص: ۱۸۶).

۳- «الفوائد» (ص: ۹۷).

۴- «الفوائد» (ص: ۱۸۲).

ذکر گوی واقعی:

اگر ترس و خشیت از خدا باعث اطاعت از اوامر او و دوری از گناه نشود، پس آن ترسِ نفاق بوده است.

عن سعید بن جبیر، قال: «إن الخشية أن تخشى الله تعالى حتى تحول خشيتك بينك وبين معصيتك، فذلك الخشية، والذكر طاعة الله، فمن أطاع الله فقد ذكره، ومن لم يطعه فليس بذاكر، وإن أكثر التسبيح وقراءة القرآن»^۱.

سعید بن جبیر رحمته می‌فرماید: «خشیت آنست که از خدا آنگونه بترسی تا آنکه بین تو و گناهت فاصله بیندازد، و ذکر خدا اطاعت کردن اوست، پس هرکس خدا را اطاعت کند او را یاد کرده است، و هرکس او را اطاعت نکند او ذاکر نیست هرچند که زیاد تسبیح گوید و قرآن قرائت کند».

عواقب انتشار زنا و ربا در یک جامعه:

دو گناه کبیره که متأسفانه در زمان ما در آستانه شایع شدن است؛ زنا و ربا هستند که بعضی از مردم براحتی مرتکب آن می‌شوند ولی اسم دیگری بر آن دو گناه می‌گذارند! تا بدین ترتیب خود را فریب داده و گناهشان را توجیه کنند، اما غافل از اینکه در دام مکر شیطان اسیر شده‌اند و علاوه بر زیانهای شخصی برای جامعه نیز مضر هستند؛ چه که زنا موجب رواج بی بندوباری و فساد و اختلال نسل‌ها شده و ربا نیز موجب ایجاد کینه و عداوت بین مسلمانان خواهد شد.

قال ابن القیم: «إذا ظهر الزَّنا والرِّبا في قرية أذن بهلاكها»^۱. امام ابن قیم رحمته فرمود: «هرگاه در شهری زنا و ربا شایع شد، هلاک و نابودی آن شهر را اعلام کن».

۱- «حلیة الأولیاء» حافظ أبو نعیم اصفهانی.

چشم چرانی:

شریعت پاک اسلام ما را راهنمایی کرده برای آنکه به گناه نیافتیم، از مقدمات آن گناه پرهیز کنیم. زیرا شیطان می‌کوشد تا اندک اندک انسان را به سمت گناه اصلی بکشد، از اینرو سعی دارد تا ابتدا او را به مقدمات گناه مبتلا کند. مثلاً نگاه به نامحرم مقدمه‌ای برای گناه زنا است، پس کسی که این مقدمه را فراهم نکند، از گناه زنا نیز دور تر می‌شود، و هکذا در بقیه گناهان..

قال الحجاوي رحمه الله: «فضول النَّظَر أصل البلاء لأنَّه رسول الفرج»^۲.

امام حجاوی رحمه الله فرمود: «چشم چرانی اساس و ریشه بلاء است چرا که آن فرستاده فرج است».

بخل:

بخل ورزیدن صفت زشتی است چه انسان غنی باشد یا فقیر..

قال ابن القيم رحمه الله: «البخیل فقیر لا یؤجر علی فقره»^۳.

امام ابن قیم رحمه الله فرمودند: «فقیر بخیل بخاطر (صبر) بر فقرش اجر و پاداش نمی‌برد».

نشانه انسان ریاکار:

قال علي بن أبي طالب عليه السلام: «للمرائي ثلاث علامات، يكسل إذا كان وحده، وينشط إذا كان في النَّاس، ويزيد في العمل إذا أثنى عليه، وينقص إذا ذم»^۴.

۱- «الفوائد» (۲۲۶).

۲- «غذاء الألباب» (ص: ۱۲۵).

۳- «الفوائد» (ص: ۵۰).

۴- «الإحياء» (۳/ ۲۹۶).

علی ابن ابیطالب علیه السلام فرمود: «ریاکار سه علامت دارد: هرگاه تنها ماند در عبادت کسل و تنبل شود، و هرگاه در میان مردم باشد فعال و پرکار است، و هرگاه تمجید شود بیشتر عبادت کند و اگر سرزنش شود از آن می‌کاهد». و عن بعض العلماء: «خوفوا المؤمنین بالله، والمنافقین بالسلطان، والمرائین بالناس»^۱.

یکی از علمای سلف فرموده: «مؤمنان از خدا می‌ترسند، و منافقین از سلطان، و ریاکاران از مردم می‌هراسند». وقال أبو سلیمان الدّرانی رحمته الله: «إذا أخلص العبد انقطعت عنه كثرة الوسوس والرياء»^۲.

ابو سلیمان دّرانی فرمود: «هرگاه بنده ای به اخلاص برسد، کثرت وسوس و ریا از وی تمام می‌شود».

سوگند به دروغ یا سوگند به غیر خدا؟!

بعضی از مردم می‌گویند: گاهی ناچار می‌شویم که دروغ بگوئیم! و برای آنکه مرتکب قسم دروغ نشویم پس به غیر خدا قسم دروغ می‌خوریم! درحالیکه غافلند از اینکه سوگند به غیر خدا شرک (اصغر) است حتی اگر دروغ باشد اما سوگند دروغ به خدا گناهی غیر از شرک است، و قطعاً شرک از گناه بزرگ‌تر است.

قال ابن مسعود رضی الله عنه: «لأن أحلف بالله كاذبا أحب إليّ من أن أحلف بغيره صادقا»^۳.

۱- «مختصر شعب الإیمان» (۹۸).

۲- مدارج السالکین (۹۶/۲).

۳- «فتح المجید» (۴۱۴).

ابن مسعود رضی الله عنه فرمود: «از اینکه سوگند دروغی به خدا بخورم بیشتر می‌پسندم تا اینکه سوگند راستی به غیر خدا بخورم».

شطرنج:

برای کسانی که به بازی شطرنج عادت گرفته‌اند:

روي عن علي رضی الله عنه أنه قال: «الشطرنج ميسر العجم»^۱.

از علی ابن ابیطالب رضی الله عنه روایت شده که فرمود: «شطرنج قمار عجم است».

سخن چینی به قصد خیرخواهی!

قال رجل لوهب بن منبه رضی الله عنه تعالى: «إنَّ فلانا شتمك، فقال: ما وجد الشيطان بريدا غيرك!»^۲.

مردی به وهب بن منبه رضی الله عنه گفت: فلانی تو را دشنام داد، وهب فرمود: «شیطان قاصدی جز تو نیافت (که این سخن را برایم بیاورد!)».

شرکت در دزدی از طریق خرید اجناس دزدیده شده:

قال الإمام أحمد رضی الله عنه تعالى: «إذا اشترى الرَّجل من رجل شيئا وهو يعلم أنه سرقة فقد شاركه»^۳.

امام احمد بن حنبل رضی الله عنه فرمودند: «هرگاه کسی چیزی را از مردی بخرد و بداند که او آنرا دزدیده است، پس وی نیز در سرقت آن با او شریک است».

۱- «لسان العرب» (۵/ ۲۹۸).

۲- «مختصر منهج القاصدين» (۱۸۴).

۳- «مسائل الإمام أحمد، رواية البغوي» (۶۸).

جریمه گناه در این دنیا:

کسی که از نصیحت دین پند نگیرد و از انجام گناهان باز نایستد و توبه نکند، خدای متعال نیز عذابش را بیشتر می‌کند که یکی از راه‌های آن اینست که انجام گناهان را برایش میسر می‌کند!

قال أحد الحكماء: «المعصية بعد المعصية عقاب المعصية، والحسنة بعد الحسنة ثواب الحسنة»^۱.

یکی از حکمای سلف فرموده: «گناه بعد از گناه جریمه و سزای گناه است، و نیکی بعد از نیکی ثواب و پاداش نیکی است».

عاقبت بخیری:

یکی از الطافی که اگر خدای متعال بخواهد بر بندگانش عطا می‌کند، نعمت عاقبت بخیری است. و قطعاً کسانی که لیاقت آنرا نداشته باشند مشمول این لطف و رحمت نخواهند شد، پس باید بکوشیم و بر دین خود ثابت قدم و استوار بمانیم تا عاقبت بخیر شویم، و از خدا بخواهیم که این نعمت را نصیب ما نیز فرماید.

قال ابن القيم رحمته: «من احدث قبل السلام بطل ما مضى من صلاته ومن أفطر قبل غروب الشمس ذهب صيامه ضائعا ومن أساء في آخر عمره لقي ربه في ذلك الوجه»^۲.

امام ابن قیم رحمته فرمود: «هرکس قبل از سلام (نماز) وضویش باطل شود آنچه از نمازش خوانده نیز باطل می‌شود، و هرکس قبل از غروب خورشید روزه‌اش بشکند روزه‌اش بر باد رفته، و هرکس در آخر عمرش

۱- «صید الخاطر» (ص: ۴۵).

۲- «الفوائد» (ص: ۶۳).

مرتکب فساد و تباهی شود پروردگارش را با همان حالت ملاقات می‌کند». این بود گزیده ای از اقوال و نصایح سلف صالح، امید است سرلوحه زندگیمان قرار بگیرد، و روشنایی بخش ما در مسیر رسیدن به خشنودی خداوند ﷺ باشد. بارالها! همه ما مسلمانان را در پیروی هرچه بیشتر از کلامت، و کلام پیامبرت، و سیره سلف صالح این امت توفیق و یاری بفرما، و ما را نیز در مسیر آن بزرگواران قرار بده و با اسلام و ایمان و عمل صالح بمیران.. آمین.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

تهیه، تحقیق، گردآوری و ترجمه:

سایت نوار اسلام (IslamTape.Com)